

۱- رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص ابطال صورتجلسه هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی که در مقام وحدت رویه به شماره ۸-۲۰۱ صادر و نیز بخشنامه شماره ۶۵۸۷۷/۲۳۰/د مورخ ۱۴۰۲/۹/۲۲ معاون درآمدهای مالیاتی از تاریخ تصویب

شماره دادنامه : 140531390000980586 تاریخ تنظیم : 1405/04/23 شماره پرونده : 140331920001663256 شماره بایگانی شعبه : 0304188	«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَخْلُوا» هیئت عمومی دیوان عدالت اداری دادنامه	 دیوان عدالت اداری
تاریخ دادنامه: 1405/4/23 مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شاکی: آقای حمیدرضا فتاحی طرف شکایت: سازمان امور مالیاتی کشور موضوع شکایت و خواسته: ابطال رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره 8-201 مورخ 1402/9/18 و بخشنامه شماره 230/65887/د مورخ 1402/9/22 معاون درآمدهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره 8-201 مورخ 1402/9/18 و بخشنامه شماره 230/65887/د مورخ 1402/9/22 معاون درآمدهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که: " هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی با صدور صورتجلسه شماره 8-201 مورخ 1402/9/18 هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی را که ماهیتاً يك شرط ضمن عقد محسوب و برخاسته از اراده طرفین معامله می باشد و نه قانون، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی و آن را در قالب يك عنوان مستقل به عناوین احصا شده در بند (18) ماده (148) قانون مالیات های مستقیم افزوده است. معاون مالیات های مستقیم سازمان امور مالیاتی نیز، با صدور بخشنامه شماره 230/65877/د مورخ 1402/9/22 مراتب را عملیاتی و به واحدهای تابعه ابلاغ نموده که هم اکنون نیز در دستور کار ادارات مالیاتی قرار دارد. از آنجایی که سود و کارمزد دریافتی بانک ها بابت تسهیلات اعطایی و جریمه تأخیر تأدیه، منطبق با قوانین و مقررات موضوعه (قوانین و مقررات عقود بانکی) و در قالب یکی از عقود اسلامی تحت نظارت عالی بانک مرکزی انجام می گیرد و قانونگذار در بند (18) ماده (148) قانون مالیات های مستقیم موارد سه گانه موصوف (سود، کارمزد و جریمه) را به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی شناسایی و آن را مورد پذیرش قرار داده است. با تصویب قانون برنامه پنجساله پنجم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال 1390 با تأکید بر ماده 98 این قانون به عقود مندرج در فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، عقود اسلامی استصناع، مباحه و خرید دین نیز الحاق گردید. آیین نامه اجرایی این ماده در تاریخ 1390/5/12 و دستورالعمل اجرایی		
تصویر برابر با اصل است. نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری		

«فلا تلهوا الهوي ان تغفلوا»

شماره دادنامه: 140531390000980586

تاریخ تنظیم: 1405/04/23

شماره پرونده: 140331920001663256

شماره پانگانی شعبه: 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه



دیوان عدالت اداری

عقود الحاقی مارا اشاره در تاریخ 1390/5/25 به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و از سوی بانک مرکزی جهت اجرا به همه بانک ها ابلاغ شد تا بانک ها، پس از انقضا و پایان اعتبار قانون برنامه پنجم هم بتوانند کماکان مراتب را اجرا و در دستور کار خود داشته باشند. در این ارتباط نیز، هزینه تنزیل چک، اوراق مالی و اسناد اعتباری به دلیل این که ماده (98) قانون برنامه پنجم «خرید بین» که از جمله عقود اسلامی می باشد را به عقود مندرج در فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه نمود، امری ارتكازي تلقی و در چهارچوب یکی از سه فرآیند سود، کارمزد و جریمه، تفسیر و به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی شناسایی و مورد پذیرش قرار گرفت. مع الوصف، در سال 1402 هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی بدون توجه به فقد صلاحیت آن شورا برای اضافه نمودن عناوین دیگری به هزینه های قابل قبول مالیاتی که از مهمترین عوامل کاهنده درآمدهای مشمول مالیات می باشند هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی را که ناشی از تخلف بانک های عامل اعم از دولتی و خصوصی در انجام تعهد به موقع به بانک مرکزی می باشد به هزینه های قابل قبول مالیاتی در بند (18) ماده (148) قانون مالیات های مستقیم اضافه نموده است. علاوه بر عدم صلاحیت شورای عالی مالیاتی برای این م

تازه های حسابداری
نهمی با عناوین سه گانه (سود، کارمزد و جریمه) که قانون



های قابل قبول مالیاتی مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس رای و وجه افتراق عدیده می باشد که قیاس آنها با یکدیگر از نوع قیاس مع الفارق است. همچنین با توجه به این که اصولاً هزینه سازی مهمترین عامل کاهنده درآمدهای مالیاتی است اجرایی شدن این مقررہ نقش بسیار مهمی در عدم تحقق درآمدهای مالیاتی ایفا خواهد نمود که مستبعد است هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی و نیز معاون درآمدهای مالیاتی از این موضوع بی اطلاع بوده باشند.

با عنایت به این که قانونگذار تکلیف دستگاه مالیات ستانی کشور در خصوص احتساب و پذیرش هزینه های قابل قبول مالیاتی را در ماده (148) قانون مالیات های مستقیم و در بیست و نه (29) بند مورد تصریح و احصا قرار داده و در قسمت اخیر ماده (147) قانون مذکور مرجع صلاحیت دار در خصوص هزینه هایی که در این قانون پیش بینی نگردیده یا بیش از نصاب های مقرر در این قانون می باشند را هیأت وزیران تعیین نموده است، اضافه نمودن یک مصداق دیگر به عنوان «وجه التزام» به هزینه های قابل قبول مالیاتی در بند (18) ماده (148) قانون مذکور توسط هیأت شورای عالی مالیاتی خارج از صلاحیت این شورا و فاقد وجاهت قانونی می باشد.

تسری آثار و احکام قرارداد های خصوصی موضوع حقوق خصوصی در حوزه حقوق عمومی من

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

تازه های حسابداری

ACCPress.com



«فلا تليعوا الكهوي ان تغلبوا»

شماره دانشنامه : 140531390000980586

تاریخ تنظیم : 1405/04/23

شماره پرونده : 140331920001663256

شماره پایگانی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه



دیوان عدالت اداری

جمله، پذیرش هزینه هایی که بانک های عامل بابت عدم انجام به موقع تعهدات خود در مواعد مقرر به بانک مرکزی متقبل می گردند به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی به هیچ وجه محمل قانونی ندارد. ضمن این که اساساً از حیث مبنا و ماهیت، «وجه التزام» با موارد هزینه های قابل قبول مصرح در بند (18) ماده (148) سود، کارمزد و جریمه قابل انطباق نمی باشند. چرا که اولاً، مبنای جریمه و کارمزد در بانک ها، قانون و مقررات موضوعه پولی و بانکی است که حدود و حدّ یقف آن مشخص می باشد در حالی که مبنای حقوقی وجه التزام فاقد هر گونه حدّ یقف و صرفاً برخاسته از کارکرد وسیع حاکمیت اراده اشخاص و به استناد ماده (10) قانون مدنی، مشروط بر این که مخالف قوانین آمره نباشد صرفاً برای طرفین قرارداد لازم الاجرا می باشد و لا غیر. کارمزد نیز مفهوماً هزینه ای مشخص است که در مقررات بانکی تبیین و بانک در قبال فراهم کردن زمینه ای مناسب برای انجام معاملات درست و آسان اخذ می نماید. در حالی که وجه التزام مبلغی است مورد توافق متعاملین که در قالب شرط ضمن عقد برای اطمینان از حصول انجام تعهد به موقع، توسط متعهد در قرارداد درج می شود. ثانیاً مبنای جریمه خسارتی است که در اثر عدم انجام فعل در موعد مقرر به طرف مقابل وارد می گردد و سقف تعیین آن طبق ماده (522) قانون آیین دادرسی شاخص تورم بانک مرکزی است در حالی که مبنای وجه التزام ماده (230) قانون مدنی است. ضمن این که در خسارت تأخیر تأدیه اثبات زیان زیان دیده شرط است در حالی که در وجه التزام اصولاً اثبات زیان موضوعیت ندارد بلکه به صرف تأخیر در انجام تعهد، ذی نفع استحقاق اخذ مورد وجه التزام را خواهد داشت و می تواند انجام تعهد و اخذ وجه التزام را توأماً مطالبه نماید بدون این که اساساً خسارتی به وی وارد شده باشد. ثالثاً موارد ثلاثه مورد بحث با موجود بودن جمیع شرایط، در صورتی که عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی می گردد که راستای هزینه کرد عملیات مؤسسه بانک های عامل باشد. بنابراین، در صورت فقد عنصر پیش گفته، موارد موصوف نیز جزء هزینه های قابل قبول تلقی نگردیده و در حسابرسی مالیاتی برگشت هزینه داده خواهد شد. با این اوصاف، قطعاً تأخیر یا تخلف در انجام به موقع تعهدات بانک های عامل (اعم از بانک های دولتی یا خصوصی) به طرفیت از بانک مرکزی، نمی تواند به عنوان هزینه عملیات مؤسسه بانک های عامل تلقی گردد.

با توجه به این که درج شرط وجه التزام به عنوان ضمانت اجرای تخلف از قرارداد های بانکی بلامانع و مطابق رأی وحدت رویه شماره 805 مورخ 1399/10/16 هیأت عمومی دیوان عالی کشور ناظر به مواد 10، 11، 14 و 37 قانون پولی و بانکی کشور مصوب 1351/4/18 و ماده (20) قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب 1368/6/8 می باشد و رأی وحدت رویه شماره 794 مورخ 1395/5/21

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فلا تظنوا أنكم آلهوي أن تغفلوا»

شماره دادنامه : 140531390000980586
تاریخ تنظیم : 1405/04/23
شماره پرونده : 140331920001663256
شماره بایگانی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
دادنامه



دیوان عدالت اداری

هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز، تعیین وجه التزام در قراردادهای بانکی اگر برخلاف مقررات امره بانک مرکزی و قوانین پولی و بانکی کشور نباشد را بلامانع تلقی نموده است. همچنین عنایتاً به این که به موجب نامه شماره 102/98/9690 مورخ 1398/2/3 شورای نگهبان وجه التزام خلاف شرع دانسته نشده است، مانعی برای درج و شرط ضمن عقد یا خارج از قرارداد وجه التزام در عقود و قراردادهای بانکی وجود ندارد. بر اساس ماده مرقوم در قانون مدنی در وجه التزام، صرفاً توافق طرفین برای تخلف از عهد یا شرط ملاک حکم است و هیچ دادگاهی حق ورود به میزان خسارت را ندارد و چنانچه برای انجام تعهدات تاریخ مشخصی در قرارداد ذکر شده باشد و متعهد اقدام به آن ننماید ذی نفع مستحق دریافت وجه التزام مقرر شده در قرارداد می باشد همچنین در خسارت تأخیر تأدیه همان گونه که در مقررات ماده (522) قانون آیین دادرسی مدنی تصریح گردیده: «در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد» به بیان دیگر چنانچه ضرری وارد شده باشد بر اساس شاخص مفروض عمل خواهد شد. لکن در وجه التزام که ناظر به ماده (230) قانون مدنی و مقررات این ماده می باشد اساساً به بحث امکان یا عدم امکان ضرر ورود نمی شود و صرفاً اشاره به الزام متخلف به پرداخت خسارت طبق توافق طرفین دارد. رویه قضایی هم این موضوع را به درستی پذیرفته و ذی نفع را ملزم به اثبات ورود خسارت نمی نماید. تنها موردی که می تواند متعهد را از پرداخت وجه التزام به متعهد له معاف نماید اثبات فرس ماژور (یا قوه قاهره موضوع مادتين 227 و 229 قانون مدنی) است که متعهد را از انجام تعهد بازداشته باشد.

اجرایی شدن مفاد رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی این بستر را فراهم می سازد تا بانک ها (اعم از دولتی و خصوصی) بتوانند سالانه ارقام نجومی قابل توجهی را به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی و در قالب زیان انباشته بابت وجه التزام اعلام و آن را به دستگاه مالیات ستانی کشور به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی تحمیل نمایند تا اگر در سنوات آتی بنا بر هر دلیلی من جمله جلوگیری از انحلال بنگاه اقتصادی در اجرای مقررات ماده (141) قانون تجارت بانک سود ابرازی اعلام نماید، بتوانند بر اساس بند (12) ماده (148) قانون مورد بحث مراتب را مستهلك و کماکان از پرداخت مالیات های قانونی اجتناب ورزند.

وجوه افتراق وجه التزام با خسارت تأخیر تأدیه، در منشأ، محدودیت و مطالبه آنها است. با این توضیح که، خسارت در اثر نقض تعهد به وجود می آید اما وجه التزام، در قرارداد با شرط ضمن عقد تعیین

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فلا تلهوا كهزي ان تغلوا»

شماره داننامه : 140531390000980586

تاریخ تنظیم : 1405/04/23

شماره پرونده : 140331920001663256

شماره بایگانی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه



دیوان عدالت اداری

می شود و به خودی خود بدون این که خسارتی به ذی نفع وارد آمده باشد به صرف تأخیر در انجام تعهد قابل مطالبه می باشد. در مطالبه خسارت، مراتب خسارت باید توسط خواهان ثابت گردد. در حالی که در وجه التزام، بدون نیاز به اثبات خسارت، مراتب قابل مطالبه است. فلذا، پذیرش وجه التزام به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی، با ترتیباتی که در صورت جلسه شورای عالی مالیاتی تبیین گردیده است، زمینه هزینه سازی و تحمیل ارقام نجومی به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی به دستگاه مالیات ستانی کشور فراهم آورده و موجبات تضییع مبالغ قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی را فراهم کرده است. جبران این امر و نیز عدم تحقق درآمدهای مالیاتی، قطعاً متوجه شهروندان خواهد گردید.

با عنایت به قسمت دوم اصل (51) قانون اساسی که برقراری هر نوع معافیت یا بخشودگی مالیاتی را صرفاً به موجب قانون مجاز دانسته است، اعطای معافیت یا بخشودگی بانک مرکزی نسبت به درآمدهای ناشی از تسعیر ارز نیز نیازمند تصریح قانون بود؛ که در این خصوص نیز تصریح قانونی وجود نداشت. لذا مجلس شورای اسلامی جهت برون رفت از این مشکل بنا بر اصل مرقوم در قانون اساسی، با تمهیداتی مبادرت به تصویب ماده واحده «قانون نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی ها و بدهی های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» مصوب 1392/6/31، ضمن نسخ بند (ب) ماده (26) قانون پولی بانکی، صرفاً بانک مرکزی (و نه سایر بانک ها) را از شمول مالیات نسبت به تفاوت ناشی از تسعیر نرخ ارز معاف نمود. بنابراین، به صرف این که بانک های دولتی و خصوصی بابت تأخیر در انجام تعهدات خود، مبالغی را تحت عنوان «وجه التزام» و بر اساس قرار دادهای خصوصی منعقد با بانک مرکزی پرداخت می کنند، نمی تواند آن را به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی و آن را به دولت و ملت تحمیل نمود و این امر به طریق اولی نیازمند کادر قانونی و تصریح قانونگذار یا به موجب قسمت اخیر ماده (147) قانون مالیات های مستقیم نیازمند تصویب هیأت وزیران می باشد که بنا بر موارد معنون و فتح بابی که برای فرارهای قانونی مالیات گشوده می گردد، بعید است که قانونگذار یا هیأت وزیران مبادرت به این امر نمایند.

با عنایت به موارد اشعاری و بیان این که از يك سوي مسئولین نظام مالیاتی کشور همواره بر شفاف سازی درآمدها تأکید و در اجرای قانون پایانه های فروشگاهی و رصد تراکنش های بانکی و نیز انجام تکالیف مقرر در ماده (169) قانون مالیات های مستقیم و ارائه صورت حساب فصلی و اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده و غیره و همچنین مکلف نمودن کسبه جزء به نحوی که مراجعه به سازمان امور مالیاتی را برای شهروندان و کسبه به يك کابوس تبدیل گردیده است و از سوی دیگر، با این دست اقدامات و گشاده دستی های غیرقانونی و زیان بار، عملاً راه های اجتناب از پرداخت مالیات را

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فلا تتعزوا الهوى ان تغفلوا»

شماره دانشنامه : 140531390000980586

تاریخ تنظیم : 1405/04/23

شماره پرونده : 140331920001663256

شماره بایگانی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه



دیوان عدالت اداری

برای کارتل های اقتصادی، بالأخص بانک های خصوصی که با مالکیت و مدیریت اشخاص غیردولتی فعالیت می نمایند را، نه تنها تسهیل بلکه با ارائه طریق آن را در چهارچوب مقررات گنجانده اند که مورد مطروحه مصداق بارز آن می باشد، فلذا با عنایت به این که زیان ناشی از اجرایی شدن رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی برای نظام مالیاتی و تضییع حقوق حقه دولت و ملت نه امری احتمالی بلکه امری حتمی و غیر قابل اجتناب می باشد، مستنداً به بند (یک) ماده (12) قانون دیوان عدالت اداری و نیز قسمت اخیر ماده (147) قانون مالیات های مستقیم ابطال رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی و بخشنامه معاون درآمدهای مالیاتی از زمان تصویب مورد استدعا است.

متن مقررہ های مورد شکایت به شرح زیر است:

" رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در اجرای ماده 258 قانون مالیات های مستقیم به شماره 201-8 مورخ 1402/9/18 سازمان امور مالیاتی کشور

با عنایت به صدور آرا متفاوت نسبت به موارد مشابه در خصوص پذیرش و یا عدم پذیرش هزینه های وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در برخی شعب این شورا (موضوع آرا صادره شماره 201/664/1009/103268 مورخ 1402/8/15 شعبه پنجم، شماره 201/5952/4042 مورخ 1399/7/19 شعبه چهارم، شماره 201/12297/1001/50265 مورخ 1400/10/25 شعبه هفتم، شماره 201/10287/1002/80231 مورخ 1401/12/24 شعبه هشتم و ...)، مراتب در اجرای ماده 258 قانون مالیات های مستقیم حسب ارجاع رییس شورای عالی مالیاتی در جلسه مورخ 1402/9/1 هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح گردید.

هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در اجرای ماده 258 قانون مالیات های مستقیم مصوب 1366 و اصلاحات بعدی آن پس از بررسی های لازم و شور و تبادل نظر در خصوص موضوع مطروحه به شرح زیر اعلام نظر می نماید:

نظر اکثریت:

بنا به مفاد مقررات بند 18 ماده 148 اصلاحی قانون مالیات های مستقیم مصوب 1394 «سود، کارمزد و جریمه هایی که برای انجام عملیات مؤسسه به بانک ها، صندوق تعاون، صندوق های حمایت از توسعه بخش کشاورزی و همچنین مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز و شرکت های واسپاری

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فلا تظنوا انهوي ان تغلوا»

شماره دانشنامه : 14053139000980586

تاریخ تنظیم : 1405/04/23

شماره پرونده : 140331920001663256

شماره پیگاتی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه



دیوان عدالت اداری

(لیزینگ) دارای مجوز از بانک مرکزی پرداخت شده یا تخصیص یافته باشد»، به عنوان هزینه قابل قبول محسوب می شود.

با امعان نظر به قانون پولی و بانکی کشور و با توجه به این که در مقررات بند 18 ماده 148 قانون یاد شده لفظ «بانک ها» به نحو عام به کار برده شده و استثنایی بر آن مترتب نگردیده است و از آنجایی که عملیات مذکور در بند یاد شده، صرفاً محدود به تسهیلات بانکی نمی باشد، بنابراین هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مشمول حکم بند 18 ماده 148 قانون مالیات های مستقیم و هزینه قابل قبول مالیاتی خواهد بود.

نظر اقلیت:

از آنجایی که ماهیت دریافت مازاد از اضافه برداشت بانک ها توسط بانک مرکزی که تحت عنوان وجه التزام در حساب ها شناسایی و ثبت می شود، ناشی از تخطی از قوانین و مقررات آمره بانک مرکزی بوده، نه در راستای دریافت تسهیلات موضوع بند 18 ماده 148 قانون مالیات های مستقیم مصوب 1394، فلذا هزینه مذکور به دلیل عدم انطباق با مفاد بند یاد شده و عدم تصریح در قانون مذکور به عنوان هزینه های قابل قبول در حساب مالیاتی نخواهد بود.

بخشنامه شماره 230/65887/د مورخ 1402/9/22 سازمان امور مالیاتی کشور

امور مالیاتی شهر و استان تهران

ادارات کل امور مالیاتی

موضوع: ارسال رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی درخصوص هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

به پیوست رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در اجرای ماده 258 قانون مالیات های مستقیم به شماره 201-8 مورخ 1402/9/18 (پیوست نامه شماره 201/10958/د مورخ 1402/9/19 رییس شورای عالی مالیاتی) درخصوص هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جهت اجرا ارسال می گردد.

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فلا تظنوا أنكم آمنون أن تغفلوا»

شماره دادنامه: 140531390000980586

تاریخ تنظیم: 1405/04/23

شماره پرونده: 140331920001663256

شماره بایگانی شعبه: 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
دادنامه



دیوان عدالت اداری

-معاون درآمدهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور

نامه شماره 201/10958/د مورخ 1402/9/19 رییس شورای عالی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور

جناب آقای دکتر سبحانیان

رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور

با سلام و احترام؛

با عنایت به صدور آرا متفاوت در برخی شعب این شورا در خصوص پذیرش و یا عدم پذیرش هزینه های وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مراتب در اجرای ماده (258) قانون مالیات های مستقیم در هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح و صورتجلسه صادره به شماره 8 - 201 مورخ 1402/9/18 جهت استحضار و صدور دستور ابلاغ به ادارات کل امور مالیاتی ایفاد می گردد.

مزید استحضار؛ رأی یاد شده علاوه بر این که برای شعب شورای عالی مالیاتی لازم الاتباع می باشد، برای هیأت های حل اختلاف مالیاتی و مأموران مالیاتی در موارد مشابه لازم الاتباع خواهد بود.

- رییس شورای عالی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره 212/5957/ص مورخ 1404/3/21، نامه شماره 201/1543/د مورخ 1404/1/26 رییس شورای عالی مالیاتی را ارسال نموده که خلاصه آن به شرح زیر است:

"به استحضار می رساند؛ الف) درخصوص ایراد شاکی مبنی بر خروج این شورا از حدود اختیارات قانونی و عدم صلاحیت آن شورا در اضافه نمودن وجه التزام به مصادیق هزینه های قابل قبول بند 18 ماده 148 قانون مالیات های مستقیم، خاطر نشان می سازد، وفق مقررات ماده 258 قانون فوق و تبصره آن، هرگاه در شعب شورای عالی مالیاتی و یا هیأت های حل اختلاف مالیاتی، نسبت به موارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد، هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی موضوع مورد اختلاف را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر و اقدام به صدور رأی می نماید. در این صورت رأی هیأت

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - پلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فلا تلهعوا الهوى ان تغفلوا»

شماره دادنامه : 140531390000980586

تاریخ تنظیم : 1405/04/23

شماره پرونده : 140331920001663256

شماره پانگتی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

دادنامه



دیوان عدالت اداری

عمومی که با دو سوم آرای تمام اعضا قطعی است و برای شعب شورای عالی مالیاتی و هیأت های حل اختلاف مالیاتی و مأموران مالیاتی در موارد مشابه لازم الاتباع است. بنابراین صورتجلسه شماره 201-8 مورخ 1402/9/18 هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در چهارچوب قانون تنظیم شده است.

در ماده 17 اصلاحیه آیین نامه «وصول مطالبات غیر جاری مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی)، مصوب جلسه یک هزار و دویست و ششمین شورای پول و اعتبار مورخ 1394/6/10، دریافت وجه التزام تأخیر تأدیه دین به علت بدحسابی مشتریان تجویز شده است که خود مبین ماهیت تنبیهی وجه التزام و در نتیجه جریمه بودن آن می باشد.

در مصوبه شماره 207508/ب/63497 هـ مورخ 1403/12/28 هیأت وزیران مقرر شده است: «بانک های عامل نسبت به بخشودگی سود، کارمزد و جریمه های دیرکرد (وجه التزام تأخیر تأدیه دین) تسهیلات پرداختی زلزله زدگان شهرستان های سر پل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب اقدام و مانده اصل تسهیلات را به مدت یک سال امهال نمایند»؛ همان طور که ملاحظه می گردد هیأت وزیران صراحتاً از واژه جریمه دیرکرد مترادف وجه التزام تأخیر تأدیه دین استفاده نموده است.

در بند 18 ماده 148 قانون مالیات های مستقیم، واژه جریمه اطلاق داشته و علاوه بر جریمه های مقرر در قوانین و مقررات مصوب، شامل قراردادهای نیز می گردد. بنابراین ارائه تفسیر مضیق از این واژه به معنای تحدید حقوق مؤدیان مالیاتی تلقی شده که این امر برخلاف قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان متبوع می باشد. چرا که هیچ مرجعی اختیار محدود نمودن قانون خاص را ندارد و علاوه بر آن در زمان ابهام و تردید در مصداق قوانین، اصل تفسیر قوانین مالیاتی به نفع مؤدیان اعمال می گردد.

از سوی دیگر ملاک پذیرش سود و کارمزد و جرایم بانکی به عنوان هزینه قابل قبول با ملاک پذیرش وجه التزام ملاکی واحد است. به عبارت دیگر وقتی سود و کارمزد به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی مورد پذیرش قرار می گیرد؛ منطقی است که وجه التزام را نیز بپذیریم.

در خصوص ادعای شاکی مبنی بر این که «مبنای جریمه خسارتی است که در اثر عدم انجام فعل در موعد مقرر به طرف مقابل وارد می شود و سقف آن در ماده 522 قانون آیین دادرسی مدنی شاخص تورم بانک مرکزی است، درحالی که مبنای وجه التزام ماده (230) قانون مدنی است...» نیز یادآور می شود؛ در مقررات یاد شده اشاره ای به جریمه نشده و اساساً مفهوم جریمه متفاوت از خسارت می باشد و از طرفی در مقررات بند 9 ماده 148 قانون مالیات های مستقیم حکم مستقلاً در خصوص پذیرش خسارت وارده به عنوان هزینه های قابل قبول آمده است.

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَنْ تَعْلَمُوا»

شماره داندنامه : 140531390000980586

تاریخ تنظیم : 1405/04/23

شماره پرونده : 140331920001663256

شماره پایگانی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

داندنامه



دیوان عدالت اداری

علاوه بر موارد فوق در عرف نیز برای عبارت وجه التزام پرداختی بانک ها در ازای تأخیر تأدیه دین، عبارت «جریمه دیرکرد، مورد استفاده قرار می گیرد که قاعده فقهی حمل الفاظ در معانی عرفیه در زمان تردید نیز مؤید این موضوع می باشد.

ج) همچنین درخصوص «ایجاد ظرفیت گسترده اجتناب مالیاتی به واسطه پذیرش مبالغ وجه التزام پرداختی بانک های عامل اعم از دولتی و غیر دولتی به طرفیت بانک مرکزی به عنوان هزینه قابل قبول»، خاطر نشان می سازد؛ رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در چهارچوب مقررات قانونی و به منظور ایجاد وحدت رویه صادر شده است و امکان یا عدم امکان ایجاد ظرفیت گسترده اجتناب مالیاتی نمی تواند مبنای قانونی برای صدور رأی باشد. ضمن این که اجتناب مالیاتی یک اقدام قانونی برای کاهش بار مالیاتی با استفاده از خلاء های قانونی می باشد و جلوگیری از آن نیازمند اصلاح و تغییر قوانین توسط مراجع صلاحیت دار است.

با عنایت به مراتب فوق صورتجلسه شماره 8-201 مورخ 1402/9/18 این شورا و بخشنامه شماره 230/65887/د مورخ 1402/9/22 معاونت درآمدهای مالیاتی سازمان متبوع وفق مقررات قانونی مربوط صادر گردیده و مغایرتی با قوانین و مقررات موضوعه ندارد، لذا رد دادخواست شاکی مورد استدعا است. "

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ 1405/4/23 با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به این که هزینه وجه التزام بانک ها از مصادیق مقرر در بند 18 ماده 148 قانون مالیات های مستقیم اصلاحی مصوب سال 1394 محسوب نشده و با مفاد بند یادشده منطبق نیست و قانونگذار آن را به عنوان هزینه قابل قبول شناسایی نکرده، بنابراین مقررات مورد شکایت که متضمن شناسایی عنوان مذکور به عنوان یکی از مصادیق هزینه های قابل قبول است، خلاف قانون و خارج از اختیار بوده و مستند به بند یک ماده 12 و مواد 13 و 88 قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال 1392 از تاریخ

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

«فلا تظنوا أنكم آمنون أن تغفلوا»

شماره داننامه : 140531390000980586
تاریخ تنظیم : 1405/04/23
شماره پرونده : 140331920001663256
شماره پایگانی شعبه : 0304188

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
دادنامه



دیوان عدالت اداری

تصویب ابطال می‌شود. این رأی براساس ماده 93 قانون دیوان عدالت اداری (اصلاحی مصوب 1402/2/10) در رسیدگی و تصمیم‌گیری مراجع قضایی و اداری معتبر و ملاک عمل است. /

احمد رضا عابدی

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

امضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: تهران - بزرگراه ستاری - بلوار شهید مخبري - نبش خیابان ایران زمین - ساختمان دیوان عدالت اداری

تازه های حسابداری

ACCPress.com



۲- متن دادخواست تقدیمی به دیوان و بیان ادله شاکی جهت تقاضای ابطال رای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی

موضوع شکایت	ابطال در راستای ماده ۸۰ (درخواست ابطال رای هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۸۰۲۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ و نیز بخشنامه شماره ۶۵۸۸۷/ ۲۳۰/ د مورخ ۱۴۰۲.۹.۲۲ معاون درآمدهای مالیاتی به علت افزودن یک مفهوم به عناوین هزینه های قابل قبول مالیاتی احصاء شده در بند (۱۸) ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم) دستور موقت (درخواست صدور دستور موقت دائر بر توقف اجراء مفاد رای هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۸۰۲۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ و نیز بخشنامه شماره ۶۵۸۸۷/ ۲۳۰/ د مورخ ۱۴۰۲.۹.۲۲ معاون درآمدهای مالیاتی به علت افزودن هزینه "وجه التزام" به عناوین هزینه های قابل قبول مالیاتی احصاء شده در بند (۱۸) ماده ۱۴۸ قانون مالیاتهای مستقیم. و اینکه اجراء این مقررہ موجب خسارت های غیر قابل جبران از جمله مہدور شدن مبالغ معتناہی مالیات و تحمیل ارقام نجومی به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی - که مهمترین عامل کاهندہ در آمدهای مالیاتی می باشند - از سوی بانکهای دولتی و خصوصی به نظام مالیاتی کشور می گردد و موجبات گسترده اجتناب های مالیاتی (نوعی فرار مالیاتی با استفاده خلا مقررات) را فراهم می آورد .)
دلایل و منضمات	۱- سایر دلایل و مستندات : ۱- عدم صلاحیت شورای عالی مالیاتی و نیز معاون درآمدهای مالیاتی برای افزودن یک عنوان (وجه التزام) به هزینه های قابل قبول مالیاتی که به موجب قسمت اخیر ماده (۱۴۷) قانون مالیاتهای مستقیم در صلاحیت قانون گذار و یا هیأت محترم وزیران می باشد ۲- مفسده هایی مترتب به افزودن غیر قانونی یک عنوان دیگر به عناوین هزینه های قابل قبول مالیاتی که در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم مورد تصریح و احصاء قرار گرفته اند با توجه به اینکه " هزینه سازی " مهمترین عامل کاهنده درآمدهای مالیاتی می باشد و همچنین مهمترین ابزار برای امر حسابسازی و اجتناب های مالیاتی (فرار مالیاتی با استفاده از خلا مقررات مالیاتی)

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر عابدی

رئیس محترم دیوان عدالت اداری

موضوع : درخواست صدور دستور توقف از اجرائی مفاد صورتجلسه خلاف قانون هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۲۰۱-۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ و نیز بخشنامه شماره ۶۵۸۸۷/ ۲۳۰/ د مورخ ۱۴۰۲.۹.۲۲ معاون درآمدهای مالیاتی که مفاد این صورتجلسه مغایر با قانون را اجرائی نموده و سپس ابطال آنها، به علت فقد صلاحیت شورای عالی مالیاتی برای افزودن یک عنوان به هزینه های قابل قبول مالیاتی (وجه التزام) در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم که طبق صراحت قسمت اخیر ماده (۱۴۷) قانون مذکور در صلاحیت انحصاری قانون گذار یا هیأت محترم وزیران می باشد و نیز تفاوت مبنائی عناوین سود ، کارمزد و جریمه که در بند (۱۸) قانون مذکور به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی مورد تصریح قرار گرفته اند با وجه التزام که ماهیتاً برخاسته از اراده طرفین قرارداد می باشد (و نه قانون) است همچنین تالی فساد هایی که از باب اجتناب مالیاتی (نوعی فرار مالیاتی با استفاده از خلا قوانین و مقررات) که به این دو مقررہ مترتب می باشد که بخودی خود می تواند ارقام نجومی قابل توجهی را به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی به دستگاه مالیات ستانی کشور تحمیل و مانع وصول مالیات های قانونی گردد و از این بابت خسارت های غیر قابل جبرانی را به نظام مالیاتی کشور فراهم آورد.

با درود و ارج و پیشکش مهر ، ضمن تقدیم دادخواست به آن دیوان و تقاضای استماع دعوی بدین وسیله مستحضر می دارد :

هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی با صدور صورتجلسه شماره ۲۰۱-۸ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی را که ماهیتاً یک شرط ضمن عقد محسوب و برخاسته از اراده طرفین معامله می باشد (و نه قانون) که در قرار دادها برای تضمین انجام به موقع تعهد در گنجانده می شود ، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی و آن را در قالب یک عنوان مستقل به عناوین احصاء شده در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم افزوده است. معاون مالیاتهای مستقیم سازمان امور مالیاتی نیز، با صدور بخشنامه شماره ۶۵۸۷۷/۲۳۰/د مورخ ۱۴۰۲.۹.۲۲ مراتب را عملیاتی و به واحدهای تابعه ابلاغ نموده که هم اکنون نیز در دستور کار ادارات مالیاتی قرار دارد . از آنجائی که سود و کارمزد دریافتی بانک ها بابت تسهیلات اعطایی و جریمه تأخیر تأدیه ، منطبق با قوانین و مقررات موضوعه (قوانین و مقررات عقود بانکی) و در قالب یکی از عقود اسلامی تحت نظارت عالیہ بانک مرکزی انجام می گیرد و قانون گذار در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم موارد سه گانه موصوف (سود ، کارمزد و جریمه) را به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی شناسائی و آن را مورد پذیرش قرار داده است. در سال ۱۳۹۰ با تصویب قانون برنامه پنجم اقتصادی، اجتماعی فرهنگی (با تأکید بر ماده ۹۸ این قانون) به عقود مندرج در فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، عقود اسلامی استصناع، مرابحه و خرید دین نیز الحاق گردید . آئین نامه اجرائی این ماده در تاریخ ۱۳۹۰.۵.۱۲ دستور العمل اجرائی عقود الحاقی مارالاًشاره در تاریخ ۱۳۹۰.۵.۲۵ به تصویب شورای پول و اعتبار رسید و از سوی بانک مرکزی جهت اجرا به همه بانک ها ابلاغ شد تا بانک ها، پس از

انقضاء و پایان اعتبار قانون برنامه پنجم هم بتوانند کماکان مراتب را اجراء و در دستور کار خود داشته باشند. در این ارتباط نیز ، **هزینه تنزیل چک، اوراق مالی و اسناد اعتباری** (به استثنای هزینه ناشی از تنزیل اوراق بهادار اسلامی مطابق آنچه در قوانین و مقررات مربوطه تصریح شده) به دلیل اینکه ماده (۹۸) قانون برنامه پنجم "خرید دین" که از جمله عقود اسلامی می باشد را به عقود مندرج در فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه نمود، امری ارتكازي تلقی و در چارچوب یکی از سه فرآیند سود، کارمزد و جریمه، تفسیر و و به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی شناسائی و مورد پذیرش قرار گرفت. مع الوصف ، در سال ۱۴۰۲ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی بدون توجه به فقد صلاحیت آن شورا برای اضافه نمودن عناوین دیگری به هزینه های قابل قبول مالیاتی که از مهمترین عوامل کاهنده درآمدهای مشمول مالیات می باشند (به همین جهت قانون گذار اضافه نمودن هزینه های قابل قبول مالیاتی در صلاحیت انحصاری قانون گذار و هیأت وزیران قرار داده) هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی را که ناشی از تخلف بانکهای عامل (اعم از دولتی و خصوصی) در انجام تعهد به موقع به بانک مرکزی می باشد به هزینه های قابل قبول مالیاتی در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم اضافه نموده است . علاوه بر عدم صلاحیت شورای عالی مالیاتی برای این مهم ، وجه التزام از حیث انطباق مبنائی و مفهومی با عناوین سه گانه (سود ، کارمزد و جریمه) که قانون گذار مبنیاً در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مورد بحث آنها را به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی مورد تصریح قرار داده ، فاقد وجه اشتراك و دارای وجوه افتراق عدیده می باشد که قیاس آنها با یکدیگر از نوع قیاس مع الفارق است . همچنین با توجه به اینکه اصولاً هزینه سازی مهمترین عامل کاهنده درآمدهای مالیاتی است اجرائی شدن این مقررہ نقش بسیار مهمی در عدم تحقق درآمدهای مالیاتی ایفا خواهد نمود که مستبعد است هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی و نیز معاون درآمدهای مالیاتی از این موضوع بی اطلاع بوده باشند .

علیهذا ، مغایرت آشکار این دو مقررہ با قوانین و مقررات مالیاتی و توالی فسادی که متعاقب اجرائی شدن این مقررہ حیث اجتناب های مالیاتی (فرار قانونی) با استفاده از خلاهای قانون و مقررات مالیاتی (بر آنها مترتب می باشد به شرح ذیل ایفاد می گردد :

۱- همانگونه که جنابعالی به عنوان عالی ترین مقام آن دیوان نیز تصدیق می فرمائید ، قانون گذار به شرح بند (۱) ماده (۱۲) قانون دیوان عدالت اداری یکی از جهات ابطال تصمیمات و اعمال مقامات عمومی را ، خروج آنان از صلاحیت های تعیین شده و اختیارات قانونی می داند . این مفهوم که در بافت حقوق اداری تحت عنوان اصل "خروج از حدود اختیارات قانونی" مورد شناسائی قرار گرفته مقامات عمومی و اداری را ملزم می نماید تا در مقام تصمیم گیری و یا اقدام، صرفاً مقید به چارچوب های صلاحیتی مقرر از سوی نهاد قانونگذاری باشند ، در غیر این صورت تصمیمات اتخاذ شده یا اقدامات انجام گرفته از سوی آنان ؛ محکوم به بطلان خواهد بود. با عنایت به اینکه قانون گذار تکلیف دستگاه مالیات ستانی کشور در خصوص احتساب و پذیرش هزینه های قابل قبول مالیاتی را در ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم و در بیست نه (۲۹) بند مورد تصریح و احصاء قرار داده و در قسمت اخیر ماده (۱۴۷) قانون مذکور مرجع صلاحیت دار در خصوص هزینه هایی که در این قانون پیش بینی نگردیده یا بیش از نصاب های مقرر در این قانون می باشند را هیأت وزیران تعیین نموده است ، اضافه نمودن یک مصداق دیگر به عنوان "وجه التزام" به هزینه های قابل قبول مالیاتی در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مذکور توسط هیأت شورای عالی مالیاتی خارج از صلاحیت این شورا و فاقد وجاهت قانونی می باشد و از تاریخ صدور محکوم به بطلان است.

۲- تردیدی وجود ندارد که بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر خدمات مالی و بانکداری ایران، مسئولیت نظارت بر بانک ها و موسسات اعتباری و مالی کشور که از مهمترین نهادهای اقتصادی کشور می باشند را عهده دار است و در راستای این امر جهت حصول اطمینان از حسن اجرای قوانین و مقررات موضوعه از سوی بانکهای عامل و ملتزم نمودن آنان به رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی قطعاً قراردادهایی بین بانک مرکزی و بانکهای عامل منعقد میگردد که مفاد این قرارداد ها بر اساس ماده (۱۰) قانون مدنی تا حدودی که مخالف قوانین آمره نباشد محترم و احکام و آثار آن برای **طرفین قرارداد لازم الاجرا** می باشد . این امر ماحصل حاکمیت اراده اشخاص در حقوق خصوصی است که آزادی قراردادهای (موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی) و امکان خلق الگوهای جدید معاملاتی از قبیل، درج شروط ضمن عقد در قراردادهای از جمله " **وجه التزام** " (که به جهت حصول اطمینان متعهد له از انجام تعهد توسط متعهد با توافق طرفین در قراردادهای درج می شود) را برای متعاملین رقم زده است . قاعده مشهور فقهی العقود تابعه القصد در فقه امامیه (که خود این قاعده بر خاسته از اصل حاکمیت اراده اشخاص می باشد) عقود و قراردادهای و ایضاً شروط ضمن عقد تا جایی که خلاف قوانین آمره نباشد معتبر و برای طرفین لازم اجراء است. لکن تسری آثار و احکام قراردادهای خصوصی موضوع حقوق خصوصی در حوزه حقوق عمومی منجمله ، پذیرش هزینه هایی که بانک های عامل بابت عدم انجام به موقع تعهدات خود در مواعید مقرر به بانک مرکزی متقبل می گردند به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی به هیچ وجه محمل قانونی ندارد . ضمن اینکه – بنابر شرحی که خواهد آمد – اساساً از حیث مبنا و ماهیت، "وجه التزام" با موارد هزینه های قابل قبول مصرح در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) – سود ، کارمزد و جریمه – قابل انطباق نمی باشند. چرا که **اولاً** ، مبنای جریمه و کارمزد در بانکها، قانون و مقررات موضوعه پولی و بانکی است که حدود و حد یقف آن مشخص می باشد در حالی که مبنای حقوقی وجه التزام فاقد هر گونه حد یقف و صرفاً برخاسته از کارکرد وسیع حاکمیت اراده اشخاص و به استناد ماده (۱۰) قانون مدنی، مشروط بر اینکه مخالف قوانین آمره نباشد **صرفاً برای طرفین قرارداد لازم الاجراء** می باشد ولا غیر . کارمزد نیز مفهوماً هزینه ای **مشخص است که در مقررات بانکی تبیین** و بانک در قبال فراهم کردن زمینهای مناسب برای انجام معاملات درست و آسان اخذ می نماید. در حالی که وجه التزام مبلغی است مورد توافق متعاملین که در قالب شرط ضمن عقد برای اطمینان از حصول انجام تعهد به موقع ، توسط متعهد در قرار داد درج می شود . **ثانیاً** – مبنای جریمه خسارتی است که در اثر عدم انجام فعل در موعد مقرر به طرف مقابل وارد می گردد و سقف تعیین آن طبق ماده (۵۲۲) قانون آئین دادرسی شاخص تورم بانک مرکزی است در حالی که مبنای وجه التزام ماده (۲۳۰) قانون مدنی است که مقرر می دارد : " اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیبه نماید، حاکم نمی تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است محکوم کند." ضمن اینکه در خسارت تأخیر تادیبه اثبات زیان زیان دیده شرط است در حالی که در وجه التزام اصولاً اثبات زیان موضوعیت ندارد بلکه به صرف تأخیر در انجام تعهد ، ذینفع استحقاق اخذ مورد وجه التزام را خواهد داشت و می تواند انجام تعهد و اخذ وجه التزام را توأمان مطالبه نماید بدون اینکه اساساً خسارتی به وی وارد شده باشد . **ثالثاً** – موارد ثلاثه مورد بحث با موجود بودن جمیع شرایط ، در صورتی به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی می گردد که راستای هزینه کرد **عملیات موسسه بانکهای عامل** باشد . بنابراین ، در صورت فقد عنصر پیش گفته، موارد موصوف نیز جزء هزینه های قابل قبول تلقی نگردیده و در حسابرسی مالیاتی برگشت هزینه داده خواهد شد . با این اوصاف ، قطعاً تأخیر یا تخلف در انجام به موقع تعهدات بانکهای عامل (اعم از بانک های دولتی یا خصوصی) به طرفیت از بانک مرکزی ، نمی تواند به عنوان هزینه عملیات موسسه بانک های عامل تلقی گردد .

۳- (مهم) - با توجه به اینکه درج شرط وجه التزام به عنوان ضمانت اجرای تخلف از قراردادهای بانکی بلامانع و مطابق رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۶/۱۰/۱۳۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ناظر به مواد ۱۰، ۱۱، ۱۴ و ۳۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸/۴/۱۳۵۱ و ماده (۲۰) قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۸/۶/۱۳۶۸ می باشد و رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۲۱/۵/۱۳۹۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز، تعیین وجه التزام در قراردادهای بانکی اگر برخلاف مقررات آمره بانک مرکزی و قوانین پولی و بانکی کشور نباشد را، بلامانع تلقی نموده است همچنین عنایتاً به اینکه به موجب نامه شماره ۱۰۲/۹۸/۹۶۹۰ مورخ ۳/۲/۱۳۹۸ شورای محترم نگهبان عنوان ریاست محترم آن دیوان وجه التزام خلاف شرع دانسته نشده است، مانعی برای درج و شرط ضمن عقد یا خارج از قرارداد وجه التزام در عقود و قراردادهای بانکی وجود ندارد. لکن نکته قابل توجه در مورد "وجه التزام" یا "خسارت تأخیر تأدیه" در این است که، مبنای محاسبه تأخیر تأدیه با شاخص نرخ اعلام شده از سوی بانک مرکزی ناظر به ماده (۵۲۲) قانون آئین دادرسی مدنی خواهد بود در صورتی که، مبنای وجه التزام برخاسته از مقررات ماده (۲۳۰) قانون مدنی و نیز عبارت قسمت اخیر ماده (۵۲۲) می باشد. بر اساس ماده مرقوم در قانون مدنی در وجه التزام، **صرفاً توافق طرفین برای تخلف از عهد یا شرط ملاک حکم است** و هیچ دادگاهی حق ورود به میزان خسارت را ندارد و چنانچه برای انجام تعهدات تاریخ مشخصی در قرارداد ذکر شده باشد و متعهد اقدام به آن ننماید ذینفع مستحق دریافت وجه التزام مقرر شده در قرارداد، می باشد. مؤید این امر رای هیأت عمومی آن دیوان به شماره دادنامه (۱۲۹) مورخ ۲۸۴/۱۳۶۹ است که در پاسخ شاکي که درخواست ابطال بخشنامه صادره از وزارت آموزش و پرورش مرتبط با عدم انجام تعهد از سوی متعهد (شاکي) و متعاقباً مطالبه وجه التزام از سوی وزارت آموزش و پرورش را نموده، به دلیل اینکه "توافق در اثر تصمیم یک جانبه وزارت آموزش و پرورش نبوده بلکه ناشی از تعهدی است که بین طرفین منعقد گردیده و شاکي خود آن را به عهده گرفته" قابل استماع و طرح در هیأت عمومی ندانسته و آن دیوان خود را فارغ از رسیدگی اعلام نموده است. نکته قابل تأمل و در خور توجه دیگر اینکه، در خسارت تأخیر تأدیه همانگونه که در مقررات ماده (۵۲۲) قانون آئین دادرسی مدنی تصریح گردیده "در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد" به بیان دیگر چنانچه ضرری وارد شده باشد بر اساس شاخص مفروض عمل خواهد شد. لکن در وجه التزام که ناظر به ماده (۲۳۰) قانون مدنی و مقررات این ماده می باشد اساساً به بحث امکان یا عدم امکان ضرر ورود نمی شود و صرفاً اشاره به الزام متخلف به پرداخت خسارت طبق توافق طرفین دارد. **رویه قضائی هم این موضوع را بدرستی پذیرفته و ذینفع را ملزم به اثبات ورود خسارت نمی نماید** - تنها موردی که می تواند متعهد را از پرداخت وجه التزام به متعهد له معاف نماید اثبات فرس مازور (یا قوه قاهره موضوع مادتين ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی) است که متعهد را از انجام تعهد بازداشته باشد. نمونه بارز شرط ضمن عقد وجه التزام در عقد بیع است. که شرط وجه التزام میان متعاملین در مبیاعه نامه های عادی درج می گردد و طرفین معامله را در یک روز مشخص مقید به حضور در دفتر اسناد رسمی برای تشریفات سند رسمی می نماید هر یک از طرفین که از این شرط تخلف نماید ملتزم به پرداخت وجه التزام تعیین شده در قرارداد به طرف دیگر می باشد. بدون اینکه نیازی به اثبات خسارت توسط ذینفع باشد. یا این اوصاف، قابل تصور است که اجرائی شدن رای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی دال بر پذیرش مبالغ اعلام شده از سوی بانکهای عامل اعم از دولتی و خصوصی بابت هزینه وجه التزام از بانک مرکزی به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی، چه ظرفیت گسترده ای را برای اجتناب های مالیاتی (قرار مالیاتی با استفاده از خلا مقررات) را فراهم می آورد.

ضمن اینکه، اجرائی شدن مفاد رای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی این بستر را فراهم می سازد تا بانک ها (اعم از دولتی و خصوصی) بتوانند سالانه ارقام نجومی قابل توجهی را به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی و در قالب زیان انباشته بابت وجه التزام اعلام و آن را به دستگاه مالیات ستانی کشور به عنوان هزینه های قابل قبول مالیاتی تحویل نمایند. تا اگر در سنوات آتی بنا بر هر دلیلی - منجمله جلو گیری از انحلال بنگاه اقتصادی دراجرای مقررات ماده (۱۴۱) قانون تجارت (لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت) - بانک سود ابرازی اعلام نماید، بتوانند بر اساس بند (۱۲) ماده (۱۴۸) قانون مورد بحث که بیان می دارد: "زبان اشخاص حقیقی یا حقوقی که از طریق رسیدگی به دفاتر آنها و با توجه به مقررات احراز گردد، از درآمد سال یا سالهای بعد استهلاک پذیر است" مراتب را مستهلک و کماکان از پرداخت مالیات های قانونی اجتناب ورزند.

۳-۱- همانگونه که فوقاً و در بند (۲) این دادخواست تبیین گردید، وجوه افتراق وجه التزام با خسارت تأخیر تأدیه، در منشأ، محدودیت و مطالبه آنهاست. با این توضیح که، خسارت در اثر نقض تعهد به وجود می آید اما وجه التزام، در قرارداد یا شرط ضمن عقد تعیین می شود و به خودی خود بدون اینکه خسارتی به ذینفع وارد آمده باشد به صرف تأخیر در انجام تعهد قابل مطالبه می باشد. دگر آنکه خسارت، باید با میزان ضرر واقعی متناسب باشد. در مرادوات مالی و پولی خسارت تأخیر تأدیه بر اساس ماده (۵۲۲) قانون آئین دادرسی مدنی - یعنی شاخص تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی - تعیین می گردد. لکن در وجه التزام، علاوه بر اینکه ورود خسارت شرط نیست تعیین آن نیز محدودیتی ندارد و به اصطلاح دارای حد یقف نمی باشد و تعیین وجه التزام در قراردادها صرفاً برخاسته از اراده و توافق طرفین معامله (ونه قانون) است. در مطالبه خسارت، مراتب خسارت باید توسط خواهان ثابت گردد. در حالی که در وجه التزام، بدون نیاز به اثبات خسارت، مراتب قابل مطالبه است. فلذا، پذیرش وجه التزام به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی با ترتیباتی که در صورتجلسه شورای عالی مالیاتی تبیین گردیده زمینه هزینه سازی و تحمیل ارقام نجومی را به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی (که مهمترین عامل کاهنده در آمد مشمول مالیات می باشد) به دستگاه مالیات ستانی کشور فراهم و در این شرائط ناگوار اقتصادی کشور که در اثر تحریم های ظالمانه رکود تورمی بر اقتصاد کشور حاکم و مالیات مهمترین منفذ تنفس اقتصاد کشور است، موجبات مهذور شدن مبالغ معتدای مالیات را فراهم که جبران آن و نیز عدم تحقق درآمدهای مالیاتی قطعاً متوجه شهروندان خواهد گردید.

۴- همانطور که مقام محترم قضائی استحضار دارند، بانک مرکزی دارای شخصیت حقوقی مستقل و درعداد اشخاص موضوع ماده (۲) قانون مالیاتهای مستقیم می باشد لکن باید توجه داشت که به موجب مقررات بند (ج) ماده (۱۰) قانون پولی بانکی مصوب ۱۸-۴-۱۳۵۱ که در زمان صدور این صورتجلسه حاکمیت داشته و مشعر بر این است که در موارد سکوت قانون پیش گفته بانک مرکزی تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکتهای سهامی می باشد، قواعد شرکت سهامی بر بانک مرکزی حاکمیت دارد. در حال حاضر نیز، اگر چه ماده (۱۰) این قانون از زمان اجرائی شدن قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی مصوب ۱۴-۹-۱۴۰۹ که در تاریخ ۳۰-۳-۱۴۰۳ اجرائی گردیده نسخ گردیده، اما با عنایت به سکوت قانون بانک مرکزی در این باب و مستفاد از عموماًت این قانون و نیز قرائن موجود در آن، در صورت سکوت قانون مارالبیان کما کان احکام و مقررات مربوط به شرکت های سهامی بر بانک مرکزی حاکمیت دارد. از جمله این قرائن می توان به بند (ش) از ماده (۱) تبصره (۲) ماده (۱۱) که از عبارت "سهامدار" استفاده شده و نیز ماده (۵) قانون مذکور که ناظر بر ساختار بانک و اداره آن است اشاره کرد. با توجه به موارد موصوف و حاکمیت قواعد شرکت های سهامی بر بانک مرکزی، در سال ۱۳۹۲ که به علت رشد فزاینده ارز های خارجی و تفاوت فاحش نرخ ارز با ریال ظهور نمود، بحث مطالبه مبالغ مالیات از درآمد آنها، ناشی از تسعیر این بانک منجر به موجب مقیسات بند (د) ماده (۲۶) قانون عمل بانکی مصوب ۱۸-۴-۱۳۵۱ که

نمود، بحث مطالبه و اخذ مالیات از درآمدهای ناشی از تسعیر ارز بانک مرکزی به موجب مقررات بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی بانکی مصوب ۱۳۵۱-۴-۱۸ که مقرر می‌داشت: "سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پولهای خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه به مصرف استهلاك اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد آن به خزانه دولت تحویل خواهد شد." مطرح و بانک مرکزی در صدر اشخاصی قرار گرفت که باید درآمدهای ناشی از تسعیر ارز مالیات پرداخت نمایند. با عنایت به شق دوم اصل (۵۱) قانون اساسی که برقراری هر نوع معافیت یا بخشودگی مالیاتی را به موجب قانون مجاز دانسته است، معافیت یا بخشودگی بانک مرکزی ناشی از درآمدهای ناشی از تسعیر ارز نیازمند تصریح قانون بود که در این خصوص نیز تصریح قانونی وجود نداشت. لذا مجلس شورای اسلامی جهت برون رفت از این مشکل بنا بر اصل مرقوم در قانون اساسی، با تمهیداتی مبادرت به تصویب ماده واحده قانون نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهیهای ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲، ۰۶، ۳۱ نمود و ضمن نسخ بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی بانکی، صرفاً بانک مرکزی را (و نه سایر بانکها را) از شمول مالیات تفاوت ناشی از تسعیر نرخ ارز معاف نمود. بنابراین، به صرف اینکه بانکهای دولتی و خصوصی بابت تأخیر در انجام تعهدات مبالغی را تحت عنوان وجه التزام که ناشی از انعقاد قراردادهای خصوصی است با بانک مرکزی است می‌پردازند نمی‌توان آن را به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی و آن را به دولت و ملت تحمیل نمود و این امر به طریق اولی نیازمند کادر قانونی و تصریح قانونگذار یا به موجب قسمت اخیر ماده (۱۴۷) قانون مالیاتهای مستقیم نیازمند تصویب هیأت وزیران می‌باشد که بنا بر موارد معنون و فتح بابی که برای فرارهای قانونی مالیات گشوده می‌گردد، بعید است که قانون‌گذار یا هیأت وزیران مبادرت به این امر نمایند.

در پایان، با عنایت به موارد اشعاری و بیان اینکه از یک سوی مسئولین نظام مالیاتی کشور همواره بر شفاف سازی درآمدها تأکید و در اجرای قانون پایانه‌های فروشگاه‌ها و رصد تراکنش‌های بانکی و نیز انجام تکالیف مقرر در ماده (۱۶۹) قانون مالیاتهای مستقیم و ارائه صورت حساب فصلی و اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده (که در واقع اخذ مالیات بر مصرف است) و غیره همچنین مکلف نمودن کسبه جزء - و حتی عرضه کنندگان سیار میوه که فاقد مغازه می‌باشند و با وانت بار فعالیت می‌نمایند - به استفاده از دستگاه کارت خوان POS افزایش فشار بر شهروندان و را در دستور کار خود قرار داده اند به نحوی که مراجعه به سازمان امور مالیاتی را برای شهروندان و کسبه به یک کابوس تبدیل گردیده است و از دگر سوی، با این دست اقدامات و گشاده دستی‌های غیر قانونی و زیانبار، عملاً راه‌های اجتناب از پرداخت مالیات را برای کارتل‌های اقتصادی، بالأخص بانک‌های خصوصی که با مالکیت و مدیریت اشخاص غیردولتی فعالیت می‌نمایند را، نه تنها تسهیل بلکه با ارائه طریق آن را در چارچوب مقررات گنجانده اند که مورد مطروحه مصداق بارز آن می‌باشد، فلذا با عنایت به اینکه زیان ناشی از اجرایی شدن رای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی برای نظام مالیاتی و تضییع حقوق حقه دولت و ملت نه امری احتمالی بلکه امری حتمی و غیر قابل اجتناب می‌باشد مستنداً به مواد (۳۴) و بند (۱) ماده (۱۲) قانون دیوان عدالت اداری و نیز قسمت اخیر ماده (۱۴۷) قانون مالیاتهای مستقیم بدو خواستار صدور دستور موقت دائر بر جلوگیری از اجرای مقررات مذکور و سپس ابطال هر دو مقرر (رای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی و بخشنامه معاون در آمد های مالیاتی) از زمان تصویب مورد استدعاست.

با تقدیم احترام - حمید رضا فتاحی

۳- تقدیم لایحه تکمیلی به تاریخ ۱۴۰۵/۳/۱۳ و پیرو توضیحات شفاهی شاکی در دو جلسه هیأت تخصصی به تاریخ ۴۰۵/۳/۱۷ و ۴۰۵/۳/۱۰

بسمه تعالی شماره پرونده: ۱۴۰۳۳۱۹۲۰۰۰۱۶۶۳۲۵۶ شماره بایگانی: ۴۰۰۰۵۲		تاریخ تقدیم: ۱۴۰۵/۳/۱۳ کدرهگیری: ۱۴۰۵۲۲۰۵۲۵۰۵۹۸۸۴ پیوست: ۱ برگ
سامانه خدمات الکترونیک قضایی لایحه خدمات قضایی		
ارائه کننده لایحه	نام: حمیدرضا	نام خانوادگی: فتاحی
موضوع لایحه	۱. لایحه دفاعیه	
منضمات	۱. مستندات به شماره ۰ مورخ	
جناب آقای دکتر برومند زاده - رئیس محترم هیأت تخصصی بانکی مالیاتی و شعبه (۳۶) تجدید نظر با درود و ارج و پیشکش مهر احتراماً، عطف به ابلاغیه های شماره ۱۴۰۵۳۱۱۰۰۰۱۶۸۳۸۷۸ و ۱۴۰۵۳۱۱۰۰۰۱۶۶۳۲۵۶ و ۴۰۳۱۴۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۳ و نیز پیرو عرایض شفاهی اینجانب در جلسه هیأت تخصصی روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۳/۱۰ به خواسته ابطال رای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۸۰۲۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۸ به شماره پرونده ۱۴۰۳۳۱۹۲۰۰۰۱۶۶۳۲۵۶ با تقدیم این لایحه به عنوان متمم دادخواست تقدیمی و تکمیل عرایض شفاهی، به عرض آن عالی مقام می رساند: اولاً- همانگونه که مقام محترم قضائی استحضار دارند، به صراحت بند (ج) ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی " بانک مرکزی ایران دارای شخصیت حقوقی است و در مواردیکه در این قانون پیش بینی نشده است تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکتهای سهامی خواهد بود." و نیز بند (د) ماده مذکور که بیان می دارد: " بانک مرکزی ایران جز در مواردیکه قانون صریحاً مقرر داشته باشد مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط بوزارتخانه ها و شرکتهای دولتی و مؤسسات دولتی و وابسته بدولت و همچنین مشمول مقررات قسمت بانکداری این قانون نمیشود." منصرف از مسئولیت ها و وظایف قانونی بانک مرکزی در قانون پیش گفته همچنین فارغ از قوانین و مقررات امری بانک مرکزی منجمله دستور العمل ناظر بر وجه التزام تسهیلات اعطایی که اصولاً تعیین وجه التزام مازاد بر قوانین امری واجد اعتبار نیست و نیز مقررات ماده ۲۷ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/ ۴/ ۱۸ با آخرین اصلاحات و ماده ۷ آیین نامه فصل ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا که بیان می دارد بانک ها مکلفاند دستورها و بخشنامه های بانک مرکزی را که به موجب قوانین و آیین نامه های متکی به آن صادر می گردد به موقع اجرا نمایند، در نظام حقوقی و بانکداری ایران قوانین شرکت های سهامی بر بانک مرکزی حاکمیت دارد که بر اساس ماده (۱) اصلاحیه قانون تجارت، به شرکت هایی اطلاق می شود که سرمایه آن ها به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آن ها است. که در هر صورت برای هرگونه معافیت، ترجیح، تخفیف یا بخشودگی و تسهیلات مالیاتی برای آن نیازمند به تصریح قانون می باشیم. کما اینکه در سال ۱۳۹۲ و نوسال قیمت ارز قانون گذار برای معافیت بانک مرکزی از مالیات سود ناشی از تسعیر ارز مجبور به تصویب ماده واحده تحت عنوان "قانون نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی ها و بدهیهای ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران" مصوب ۱۳۹۲،۰۶،۳۱ گردید به دلیل اینکه بنا بر اصل ۵۱ قانون اساسی برقراری معافیت بدون مجوز قانونی برای بانک مرکزی میسر نبود. با توجه به حکم قسمت اخیر ماده (۱۴۷) قانون مالیاتهای مستقیم مشعر بر اینکه " در مواردیکه هزینه ای در این قانون پیش بینی نشده یا بیش از نصابهای مقرر در این قانون بوده ولی پرداخت آن بموجب قانون و یا		

بسمه تعالی

شماره پرونده: ۱۴۰۳۳۱۹۲۰۰۱۶۶۳۲۵۶

شماره بایگانی: ۰۴۰۰۰۵۲



سامانه خدمات الکترونیک قضائی

لایحه خدمات قضایی

تاریخ تقدیم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳

کد رهگیری: ۱۴۰۵۲۲۰۵۲۵۰۵۹۸۸۴

پیوست: ۱ برگ

مصوبه هیأت وزیران صورت گرفته باشد قابل قبول خواهد بود. "به علت عدم تصریح عنوان "وجه التزام" به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی در بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم که صرفاً هزینه قابل قبول را معطوف به سود، کارمزد و جریمه‌هایی که برای انجام عملیات مؤسسه به بانکها، صندوق تعاون، صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی و همچنین مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز و شرکتهای واسپاری (لیزینگ) دارای مجوز از بانک مرکزی پرداخت شده یا تخصیص یافته باشد نموده است، پذیرش وجه التزام بانکها به طرفیت بانک مرکزی به دلیل فقد مجوز قانونی فاقد وجهت و محکوم به بطلان است.

ثانیاً - به علت گستردگی شبکه بانکی در کل کشور و تأثیر مستقیم و آشکار آثار ناشی از قراردادهای بانکی بر نظم عمومی و اقتصادی کشور، نمی‌توان در اینگونه قراردادهای آنها بر اصل حاکمیت اراده و مبنای ماده (۱۰) قانون مدنی، بسنده نمود بلکه با توجه به تأثیر مستقیم این دسته از قراردادها بر نظام اقتصادی جامعه مستنداً به مقررات و قوانین مذکور بایستی از اجرایی شدن جزئی و یا کلی قراردادهایی که بر خلاف مقررات حاکم بر نظام بانکی کشور تنظیم شده‌اند جلوگیری به عمل آید تا خدشه ای بر نظم عمومی و اقتصادی کشور وارد نگردد چرا که هر گونه توافق و مصالحه بر خلاف قوانین امری غیر نافذ و محکوم به بطلان می باشد. بنابراین اگر چه اصل وجه التزام در چارچوب قوانین و مقررات امری بانک مرکزی پذیرفته شده است لکن پذیرش آن به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی موضوع بند (۱۸) ماده (۱۴۸) قانون مالیاتهای مستقیم خلاف قانون آمره و باید از مجاری قانونی و ساز و کار مقرر در ماده (۱۴۷) قانون پیش گفته اجرائی گردد.

ثالثاً - اگر چه بانک مرکزی تابع قوانین و مقررات مربوط به شرکتهای سهامی می باشد، و مقررات ماده ۱۰ قانون مدنی ناظر به اصل آزادی اراده نفوذ قراردادهای خصوصی را به شرط عدم مخالفت صریح قانون بلامانع می داند که وجود وجه التزام نیز یکی از مواردی است که می تواند با توجه به حاکمیت اراده و در چارچوب قوانین امری پولی و بانکی در شروط ضمن عقد گنجانده شود، لکن پذیرش وجه التزام به مفهومی که از این واژه در ذهن متبادر می گردد یعنی مبلغی که در قراردادها برای تضمین تعهدات طرفین پیش بینی می گردد تا در صورت تخلف هر کدام از آنان و عدم انجام تعهداتشان در موعد مقرر یا شرایط تعیین شده، به طرف مقابل پرداخت شود، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی محل مناقشه و موضوع شکایت این بنده می باشد. بالاخص اینکه مبلغ مورد توافق در وجه التزام (بر خلاف جریمه و کارمزد که دارای مبنای قانونی و نصاب معین بر اساس مقررات می باشند) تابع اراده و میل متعاملین است و نیز لزوم اجراز وجود خسارت در وجه التزام منتفی می باشد. به صرف عدم انجام تعهد در مواعد پیش بینی شده توسط احدی از طرفین منتفع استحقاق برخوردار بودن از وجه التزام را می یابد و می تواند آن را مطالبه نمایند که همین امر بخودی خود می تواند موجبات بروز و ظهور مفسده هائی گردد.

علیهذا، با عنایت به موارد اشعاری در این لایحه و دادخواست تقدیمی و نیز عرایض شفاهی اینجانب، جهت حفظ حرمت و احترام به قانون ابطال مقرر مورد شکایت که فراتر از اختیارات قانونی سازمان امور مالیاتی تصویب گردیده مورد استدعاست. بدیهی است، چنانچه مسئولین ذی ربط در امور اقتصادی چنین امری را ضرور و به نفع اقتصاد کشور بدانند، می توانند از مجاری قانونی و دلایل مستدل مراتب را از هیأت محترم دولت درخواست نمایند.

با تجدید احترام - حمید رضا فتاحی

۴- نامه رئیس محترم شورای عالی مالیاتی عنوان رئیس کل سازمان امور مالیاتی متعاقب صدور آراء متعارض شعب شورا در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش وجه التزام بانکها (اعم از دولتی و خصوصی) به طرفیت بانک مرکزی به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی .

شماره: ۲۰۱/۱۰۹۵۸ تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹ محل: دارد	سال مبارک نورم، رشد تولید 1402-2023	وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان امور مالیاتی کشور
--	--	---

شورای عالی مالیاتی

بسمه تعالی



جناب آقای دکتر سبحانیان
رئیس کل محترم سازمان امور مالیاتی کشور

باسلام و احترام؛

با عنایت به صدور آراء متفاوت در برخی شعب این شورا در خصوص پذیرش و یا عدم پذیرش هزینه‌های وجه التزام بانک‌ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مراتب در اجرای ماده (۲۵۸) قانون مالیات‌های مستقیم در هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح و صورتجلسه صادره به شماره ۸-۲۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۸ جهت استحضار و صدور دستور ابلاغ به ادارات کل امور مالیاتی ایفاد می‌گردد.

مزید استحضار؛ رأی یاد شده علاوه بر اینکه برای شعب شورای عالی مالیاتی لازم الاتباع می‌باشد، برای هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی و مأموران مالیاتی در موارد مشابه لازم الاتباع خواهد بود.

محمد مسیحی
رئیس شورای عالی مالیاتی

۵- صدور رای اکثریت از هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۲۰۱-۸ مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۸ در مقام صدور رای وحدت رویه و رفع تعارض از آراء شعب چهارم ، هشتم و.....

شماره: ۲۰۱-۸
تاریخ: ۱۴۰۲/۲/۱۸
رئیس:



ISIRI 200

وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان امور مالیاتی کشور

رای هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی
در اجرای ماده ۲۵۸ قانون مالیات های مستقیم

با عنایت به صدور آراء متفاوت نسبت به موارد مشابه در خصوص پذیرش و یا عدم پذیرش هزینه های وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در برخی شعب این شورا (موضوع آراء صادره شماره ۲۰۱/۱۰۳۲۶۸ مورخ ۱۴۰۱/۶/۶۴، شماره ۱۴۰۲/۰۸/۱۵ شعبه پنجم، شماره ۲۰۱/۵۹۵۲/۴۰۴۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۹ شعبه چهارم، شماره ۲۰۱/۱۲۲۹۷/۱۰۰۱/۵۰۲۶۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ شعبه هفتم، شماره ۲۰۱/۱۰۲۸۷/۱۰۰۲/۸۰۲۳۱ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۴ شعبه هشتم و...) مراتب در اجرای ماده ۲۵۸ قانون مالیات های مستقیم حسب ارجاع رئیس شورای عالی مالیاتی در جلسه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح گردید.

هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی در اجرای ماده ۲۵۸ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن پس از بررسی های لازم و شور و تبادل نظر در خصوص موضوع معروضه به شرح زیر اعلام نظر می نماید:

نظر اکثریت:

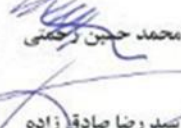
بنا به مفاد مقررات بند ۱۸ ماده ۱۴۸ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ "سود، کارمزد و جریحه هایی که برای انجام عملیات موسسه به بانک ها، صندوق تعاون، صندوق های حمایت از توسعه بخش کشاورزی و همچنین موسسات اعتباری غیربانکی مجاز و شرکتهای واسطه‌ای (لیزینگ) دارای مجوز از بانک مرکزی پرداخت شده یا تخصیص یافته باشد"، به عنوان هزینه قابل قبول محسوب می شود.

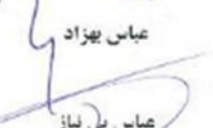
با ايمان نظر به قانون پولی و بانکی کشور و با توجه به اینکه در مقررات بند ۱۸ ماده ۱۴۸ قانون یادشده لفظ **"بانک ها"** به نحو عام بکار برده شده و استثنایی بر آن مترتب نگردیده است و از آنجائیکه عملیات مذکور در بند یاد شده، صرفاً محدود به تسهیلات بانکی نمی باشد، بنابراین هزینه وجه التزام بانک ها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مشمول حکم بند ۱۸ ماده ۱۴۸ قانون مالیات های مستقیم و هزینه قابل قبول مالیاتی خواهد بود.


 محمدحسین زارع


 محمدرضا شایان پور

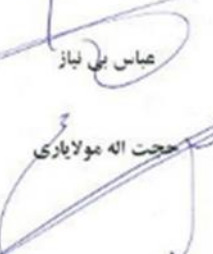

 محمد مسیحی


 محمد رحیم رحمانی


 عباس بهزاد


 سعید جوانج


 سعید رضا صادقی زاده


 عباس علی نیاز


 مهرداد علی فدرپور


 علیرضا نصرتی


 حاجت اله مولایاری


 امیرحسین زاده


 معراج بوستانی



نظر اقلیت:

از آنجاییکه ماهیت دریافت مازاد از اضافه برداشت بانک ها توسط بانک مرکزی که تحت عنوان وجه التزام در حسابها شناسایی و ثبت می شود، ناشی از تخطی از قوانین و مقررات آمره بانک مرکزی بوده، نه در راستای دریافت تسهیلات موضوع بند ۱۸ ماده ۱۴۸ قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۹۴، فلذا هزینه مذکور به دلیل عدم انطباق با مفاد بند یاد شده و عدم تصریح در قانون مذکور به عنوان هزینه های قابل قبول در حساب مالیاتی نخواهد بود.

رضا امیدی

عباس وزیرنده
مدرس

غلامحسن کشاورز
حسن بابایی

شماره: ۵/۳۳۰/۶۵۸۸۷

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

نوع سند: ندارد

سال چهارم، رده تولید

۳۳۱ / ۶۵۸۸۷ / ۳۳۳۳



وزارت امور اقتصادی و دارایی

سازمان امور مالیاتی کشور



بسمه تعالی

معاونت درآمدهای مالیاتی

امور مالیاتی شهر و استان تهران

ادارات کل امور مالیاتی

موضوع: ارسال رای هیات عمومی شورای عالی مالیاتی در خصوص هزینه وجه التزام بانکها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

باسلام

به پیوست رای هیات عمومی شورای عالی مالیاتی در اجرای ماده ۲۵۸ قانون مالیاتهای مستقیم به شماره ۸-۲۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۸ (پیوست نامه شماره ۵۸/۱۰۹۵۸/د مورخ ۱۴۰۲/۹/۱۹ رئیس محترم شورای عالی مالیاتی) در خصوص هزینه وجه التزام بانکها به طرفیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جهت اجراء ارسال می گردد.

محمد تقی پاکدامن
معاون درآمدهای مالیاتی